

همه چیز در مورد چک

چک چیست؟

چک، سندی تجاری و قانونی است که به موجب آن، صادرکننده به بانک دستور می‌دهد مبلغ معینی را از حساب وی به دارنده‌ی برگ چک پرداخت کند.

چک ابزاری برای انتقال وجه و انجام مبادلات مالی است و به عنوان جایگزین پول نقد در معاملات استفاده می‌شود.

طبق ماده 310 قانون تجارت ایران، چک به این صورت تعریف می‌شود: "چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد **محال علیه** دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید." به زبان ساده‌تر، چک سندی است که صادرکننده به **بانک** (محال علیه) دستور می‌دهد مبلغ مشخصی را از حساب خودش به فرد یا نهاد دیگری (دارنده چک) پرداخت کند.

در لغت‌نامه، «چک» به معانی زیر آمده است:

- * سند تجاری؛ ورقه‌ای که به موجب آن صادرکننده، مبلغی را از حساب خود به دیگری واگذار می‌کند.
- * بازرسی؛ بررسی و کنترل کردن چیزی برای اطمینان از صحت و سلامت آن.
- * مهار؛ بازداشتن و کنترل کردن چیزی.

همچنین، «چک کردن» به معنای بررسی کردن و کنترل کردن چیزی است.

معنی محال علیه:

عبارت محال علیه، یعنی: محل پرداخت. در مورد چک، یعنی بانکی که محل پرداخت وجه چک است.

وصول چک:

وصول چک برگشتی به معنای دریافت مبلغ مندرج در چک، توسط ذینفع (دارنده چک) از بانک یا صادرکننده چک است.

چک برگشتی:

این فرآیند زمانی رخ می‌دهد که چک به دلایلی مانند عدم موجودی کافی در حساب صادرکننده (کسری موجودی)، به بانک ارائه شده و بانک از پرداخت وجه خودداری می‌کند. در این صورت، دارنده چک می‌تواند برای وصول مبلغ چک، اقدامات قانونی را پیگیری کند. این اقدامات شامل ارائه دادخواست به دادگاه و یا مراجعه به اجرای ثبت می‌باشد. وصول چک برگشتی می‌تواند به سرعت و با کمترین دردسر از طریق سازوکارهای قانونی تعیین شده، انجام شود.

- راهکارهای قانونی وصول چک برگشتی چیست؟
- آیا چک‌های برگشتی قابلیت پیگیری کیفری دارند؟
- چه مدارکی برای وصول چک برگشتی لازم است؟



چک برگشتی، چکی است که به دلایل مختلف (مانند کسری موجودی یا وجود دلایل دیگر) از سوی بانک پرداخت نمی‌شود. برای درک بهتر این موضوع، در ادامه به مراحل و نکات کلیدی درباره چک برگشتی می‌پردازیم:

مفهوم چک برگشتی

چک برگشتی به معنای عدم پرداخت مبلغ چک از سوی بانک است و این برگشت خوردن چک ممکن است به دلایل مختلفی رخ دهد که هر کدام از آنها به صورت مشخص در برگه گواهی عدم پرداخت (برگشت چک) قید می‌شود. مهم‌ترین دلایل برگشت چک عبارت‌اند از:

- عدم موجودی کافی: مبلغ موجود در حساب کمتر از مبلغ چک است.
- عدم مطابقت موجودی حساب با مبلغ چک. که حتی اگر کسری جزئی وجود داشته باشد، چک برگشت می‌خورد.
- ...

▪ دستور عدم پرداخت از سوی صاحب حساب: صادرکننده به بانک دستور داده است که چک پرداخت نشود. این دستور باید به دلایل قانونی مانند سرقت، مفقودی، جعل یا خیانت در امانت صادر شود.

▪ □□□□ □□□□ □□□□:

▪ حساب بانکی صاحب چک به دلایل مختلف (مانند دستور قضایی یا مسدودی ناشی از بدهی) مسدود شده است.

▪ دلایل فنی و شکلی چک:

▪ عدم تطابق امضا: امضای روی چک با نمونه امضای صاحب حساب در بانک مطابقت ندارد.

▪ نقص یا ایراد در متن چک: اطلاعات روی چک ناقص یا نادرست است (مانند درج اشتباه تاریخ، مبلغ، یا خطا خوردگی‌های غیرمجاز).

▪ مغایرت در مندرجات چک: مثلاً مبلغ عددی و مبلغ حروفی با هم مغایرت دارند.

▪ عدم ثبت در سامانه صیاد: اگر چک صیادی باشد و در سامانه ثبت نشده باشد، بانک از پرداخت آن خودداری می‌کند.

▪ سایر دلایل بانکی:

▪ بسته شدن حساب بانکی: صاحب حساب اقدام به بستن حسابی کرده است که چک از آن صادر شده است.

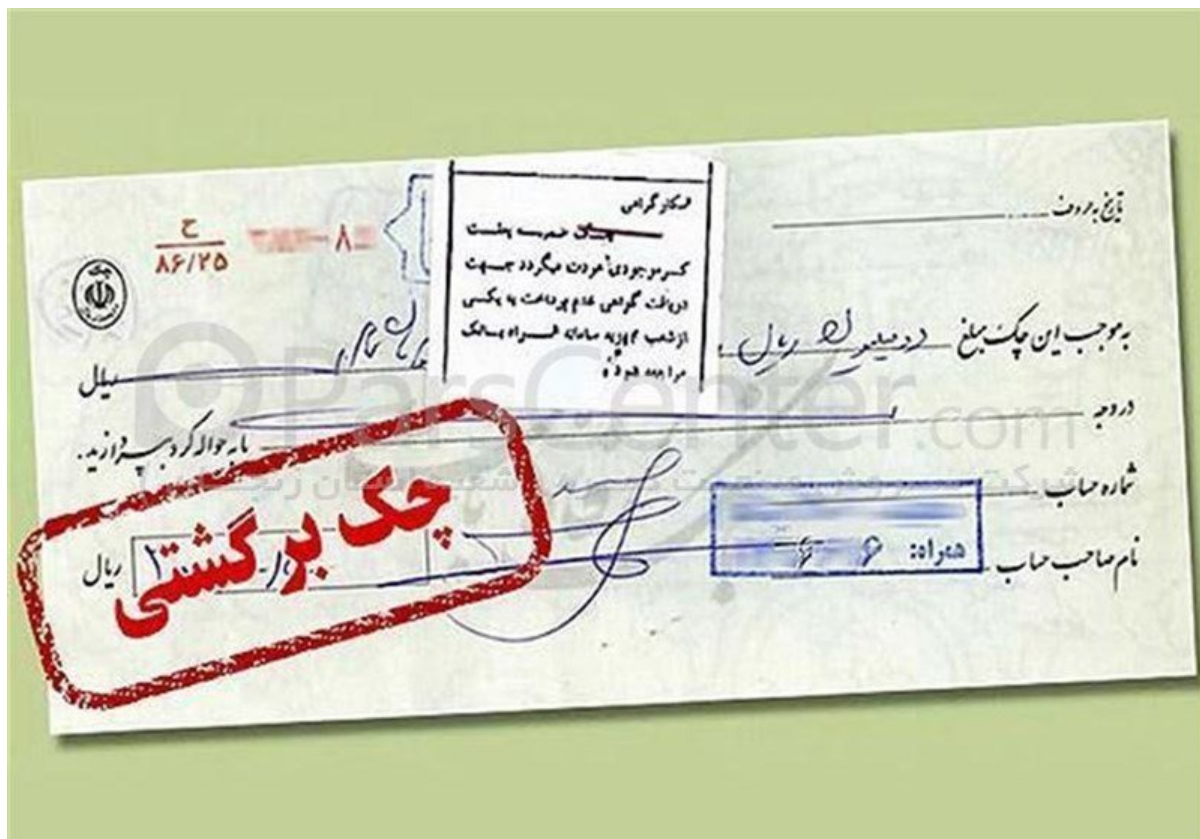
▪ اشکالاتی در نحوه ارائه چک: چک به درستی مهر یا امضا نشده است.

▪ ظهر یا پشت چک به درستی امضا نشده است (برای چک‌های ظهر نویسی شده).

▪ استفاده از چک منسوخ یا ابطال‌شده: چک‌هایی که از دسته‌چک‌های قدیمی و منسوخ صادر شده باشند یا قبلاً ابطال شده باشند.

▪ سایر ایرادات قانونی:

▪ مثلاً درج موارد خلاف قانون یا استفاده از چک بدون رعایت الزامات بانکی.



پیگیری قانونی چک برگشتی:

برای پیگیری قانونی چک برگشتی، گواهی عدم پرداخت که توسط بانک صادر می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. این گواهی دلیل برگشت را دقیقاً مشخص می‌کند و در هر یک از روش‌های پیگیری حقوقی، کیفری یا اجرای ثبت، مبنای اصلی رسیدگی قرار می‌گیرد.

تحولات قوانین چک در ایران:

سیر تاریخی قوانین چک در ایران، تحولات قابل توجهی را پشت سر گذاشته است. در اینجا به طور خلاصه به این سیر تاریخی اشاره می‌کنیم:

آغاز و پایه‌های اولیه (قبل از 1311):

قبل از تصویب قانون تجارت در سال 1311، مقررات مدونی در خصوص چک وجود نداشت و مسائل مربوط به آن بیشتر بر اساس عرف و عادت تجاری حل و فصل می‌شد.

قانون تجارت 1311:

با تصویب قانون تجارت در سال 1311، مواد 310 تا 317 این قانون به

چک اختصاص یافت. این مواد، پایه‌های قانونی چک را در ایران بنا نهادند.

تحولات بعدی:

پس از قانون تجارت، قوانین و مقررات متعددی در خصوص چک به تصویب رسید که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- * قانون صدور چک، مصوب 1344
- * قانون صدور چک، مصوب 1355
- * اصلاحات قانون صدور چک در سال‌های 1372، 1382 و 1397

قانون صدور چک، مصوب 1397:

آخرین تحول مهم در قوانین چک، تصویب قانون اصلاح قانون صدور چک در سال 1397 بود. این قانون، تغییرات اساسی در مقررات مربوط به چک ایجاد کرد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- * الزامی شدن ثبت چک در سامانه صیاد
- * محدودیت صدور چک در وجه حامل
- * حذف پشت‌نویسی چک
- * ایجاد محدودیت برای دارندگان چک برگشتی



هدف از این تحولات:

هدف از این تحولات، افزایش اعتبار چک، کاهش چک‌های برگشتی و جلوگیری از سوء استفاده از چک بوده است.

نکات کلیدی:

- * قانون صدور چک 1397، تحولی مهم در نظام حقوقی چک در ایران محسوب می‌شود.
- * سامانه صیاد، نقش مهمی در اجرای این قانون ایفا می‌کند.

* قانون جدید، محدودیت‌های بیشتری را برای صادرکنندگان چک‌های برگشتی اعمال می‌کند.

انواع چک

- 1. چک عادی:**
چکی که فرد از حساب شخصی خود صادر می‌کند.
 - 2. چک تضمین‌شده (تضمینی):**
چکی که توسط بانک، به درخواست مشتری، صادر کرده و پرداخت آن توسط بانک تضمین شده است.
 - 3. چک مسافرتی:**
چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.
 - 4. چک بانکی:**
چکی که توسط بانک به دستور مشتری صادر می‌شود و پرداخت آن توسط بانک تضمین شده است.
- 3- چک بین بانکی**
چکی است که به تقاضای مشتری، توسط بانک، برای یکی دیگر از بانک‌های سطح کشور (بین دو بانک مختلف) صادر می‌شود، و تنها امکان نقد کردن و واریز به حسابی که در قسمت دارنده وارد شده است را دارد.
- 5. چک الکترونیکی:**
چکی که از طریق سامانه‌های دیجیتال صادر می‌شود و معادل چک کاغذی است.

ارکان چک

- برای معتبر بودن یک چک، ارکان زیر باید به درستی تکمیل شوند:
- 1. صادرکننده (صاحب حساب):** شخصی (حقیقی یا حقوقی) که چک را صادر کرده و دستور پرداخت را به بانک می‌دهد.
 - 2. دارنده (ذی‌نفع):** شخص یا نهادی که چک به نفع او صادر شده و می‌تواند آن را دریافت کند.
 - 3. بانک (محل علیه):** بانکی که چک از حساب صادرکننده آن باید پرداخت شود.

4. تاریخ صدور: تاریخی که چک صادر شده است.
5. تاریخ سررسید: تاریخی که چک قابل پرداخت است (در صورتی که چک مدت‌دار باشد).
6. مبلغ چک: مبلغی که باید توسط بانک پرداخت شود. این مبلغ به دو صورت عددی و حروفی روی چک درج می‌شود.
7. امضا: امضای صادرکننده که نشان‌دهنده تأیید و اعتبار چک است.
8. شماره چک: شماره اختصاصی چک که توسط بانک برای هر برگه تعیین و روی آن چاپ شده است.

نکات مهم در تنظیم چک

- یکسان بودن مبلغ عددی و حروفی: هرگونه مغایرت باعث برگشت چک می‌شود.
- تکمیل دقیق اطلاعات: تاریخ، مبلغ، نام دارنده و امضا باید به درستی و کامل نوشته شوند.
- استفاده از قلم واحد: استفاده از چند قلم ممکن است باعث شبهه در اعتبار چک شود.

چک ابزاری مطمئن در مبادلات مالی است، اما در صورت استفاده نادرست، ممکن است مشکلات قانونی و مالی برای صادرکننده یا دارنده ایجاد کند.

قوانین چک، سفته، برات قانون صدور چک

قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۱۴۰۰/۱/۲۹

قانون عملیات بانکی بدون ربا
آراء وحدت رویه، نظریات فقهی شورای نگهبان، نظر مشورتی



تدوین جهانگیر منصور
به روز رسانی: حسین زارعی (وکیل پایه یک دادگستری)

وجوه چک:

چکها در نظام بانکی و تجاری انواع مختلفی دارند که هر یک ویژگیها و شرایط خاص خود را دارند. چکها میتوانند به دو دسته اصلی از منظر صادرکنندگان تقسیم شوند:

1. چک صادره توسط اشخاص (حقیقی یا حقوقی)

2. چک صادره توسط بانک

در ذیل به توضیحات بیشتری در مورد هر دسته پرداخته میشود:

چکهای صادره توسط بانکها

1. چک تضمینی

□□□□□□:

چک به تقاضای مشتری توسط یک بانک صادر میشود. این چک، در وجه خود بانک صادر کننده و یا یکی از شعب همان بانک خواهد بود و در این صورت مبلغ مشخص شده در چک بلافاصله از حساب فرد کم میشود. در نتیجه، شخص گیرنده میتواند با مراجعه به بانک، آن را نقد کند زیرا مبلغ چک قبلاً توسط بانک از حساب صادر کننده چک کسر شده و آماده تحویل است. این نوع چک، نشاندهنده تضمین پرداخت مبلغ آن توسط بانک است.

□□□□□□□□:

- * بانک، ضامن پرداخت آن مبلغ است.
- * در مواردی که مخاطراتی نظیر عدم توانایی مالی صادرکننده وجود دارد، این نوع چک مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- * معمولاً برای معاملات بزرگ و مهم استفاده می‌شود.

2. چک مسافرتی

□□□□□□:

- چکی است که می‌توان از آن در سفرهای داخلی و خارجی استفاده کرد.
- :
- * معمولاً توسط بانکها صادر می‌شود و به راحتی قابل انتقال است.
 - * امنیت بیشتری نسبت به پول نقد دارد و بدون دردسر می‌توان آن را در کشورهای دیگر نقد کرد.
 - * معمولاً به صورت غیرقابل برگشت (غیرقابل لغو) صادر می‌شود.

3. چک بین بانکی

□□□□□□:

- چکی است که به تقاضای مشتری، توسط بانک، برای یکی دیگر از بانکهای سطح کشور (بین دو بانک مختلف) صادر می‌شود، و تنها امکان نقد کردن و واریز به حسابی که در قسمت دارنده وارد شده است را دارد. عمل نقد و واریز توسط بانک مقصد انجام می‌شود.

□□□□□□□□:

- * معمولاً از طرف یک بانک به بانک دیگر برای تسویه حساب ارسال می‌شود.
- * برای معاملات بزرگ و انتقال وجه بین بانکها استفاده می‌شود.

چک‌های صادره توسط اشخاص (حقیقی یا حقوقی)

1. چک عادی:

□□□□□□:

- چکی است که اشخاص از حساب جاری خود صادر می‌کنند؛ که هیچ تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن برای پرداخت وجود ندارد. در واقع تضمین‌کننده این چک صرفاً اعتبار اجتماعی و عملکردی فردی است که چک را می‌نویسد. این چک به‌منظور پرداخت مبلغ معین به دارنده‌اش صادر می‌شود. گرفتن چک عادی بانکی از افرادی که شناختی از آنها ندارید،

ممکن است کار درستی نباشد.

:□□□□□□

* دارای تاریخ صدور و مبلغ مشخص است.

* باید توسط دارنده چک در موعد مقرر به بانک ارائه شود.

* در صورت عدم پرداخت، می‌توان صادرکننده را از طریق قانونی مورد پیگرد قرار داد.

2. چک تایید شده:

وقتی شخصی چک تاییدشده می‌کشد، در واقع این اجازه را به بانک می‌دهد تا مبلغ مشخصشده در چک را در حساب خود بلوکه کند. با این کار فرد گیرنده مطمئن می‌شود که چک در زمان و تاریخ تعیین‌شده نقد می‌شود.

چک سفید امضا

:□□□□□□

چکی است که فقط با امضای صادرکننده و بدون تعیین مبلغ و تاریخ صادر می‌شود.

:□□□□□□

بسیار خطرناک است، زیرا بسیار مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد؛ لذا توصیه نمی‌شود.

دانلود نمونه دادخواست چک برگشتی:

[\(□□□□□□\) □□□□□□ □□ □□□□□□ □□□□□□□□](#)

مهریه و شوهر کارمند

مهریه را می‌توان از حقوق شوهر کسر و دریافت کرد. اما شرایطی دارد
...

تفاوت افترا با نشر اکاذیب چیست؟

جرم نشر اکاذیب، و جرم افترا، و ارکان وقوع آنها، و مواد قانونی
مرتبط

نحوه شکایت از تهمت و افترا

نحوه و مدارک لازم برای دادخواست شکایت علیه کسی که تهمت زده است.

تجدید نظر خواهی و شرایط آن چیست؟

تجدید نظر خواهی چیست، و توضیحات کامل درباره شرایط و نحوه ارائه

حق طلاق چیست؟

زن می‌تواند حق طلاق مشروط یا غیرمشروط از زوج دریافت کند

آیین نامه نحوه اجرای محکومیت های مالی

شماره ۱۰۰/۱۰۹۳۳۰/۹۰۰۰/۱۸/۶/۱۳۹۹
آیین نامه نحوه اجرای محکومیت های مالی:

در اجرای ماده ۲۸ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴،
"آیین نامه اجرایی نحوه اجرای محکومیت های مالی" به شرح مواد آتی
است.

ماده ۱- اعمال ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب
۱۳۹۴ که در این آیین نامه قانون نامیده می‌شود، منوط به احراز
موارد زیر توسط دادگاه است:

1. درخواست محکوم له؛
2. استنکاف محکوم علیه از پرداخت، بدون عذر موجه؛
3. عدم اقامه دعوی اعسار از پرداخت محکوم به در مهلت
مقرر در قانون یا عدم معرفی کفیل یا وثیقه گذار پس

از انقضاء مهلت؛
4. عدم شناسایی هرگونه مال از محکوم علیه.

ماده ۲- در مواردی که اجرای حکم به وسیله دادسرا انجام می شود، مرجع صدور دستور حبس محکوم علیه، قاضی دادگاه نخستین صادرکننده رأی است.

ماده ۳- چنانچه پس از تقویم محکوم به عین معین، برابر ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی، محکوم علیه حاضر به پرداخت قیمت تعیین شده نباشد، نحوه وصول آن تابع مقررات قانون و این آیین نامه خواهد بود.

ماده ۴- در صورتی که بدهی، تقسیط یا برای پرداخت آن مهلت تعیین شده باشد و محکوم علیه در مهلت یا زمان مقرر بدهی یا هر یک از اقساط را پرداخت نکند، دادگاه تقاضای محکوم له مبنی بر حبس وی را بررسی، چنانچه محکوم علیه درخواستی جهت تعدیل اقساط یا تمدید مهلت تقدیم نکرده باشد و عذر موجهی جهت عدم پرداخت نداشته و مستنکف بودن وی احراز گردد، تا پرداخت بدهی یا اقساط به دستور دادگاه حبس می شود.

تبصره - چنانچه پرداخت در مهلت مقرر یا اقساط به علل موجه، خارج از توان مالی محکوم علیه باشد و درخواست تعدیل اقساط یا تمدید مدت تقدیم شود، دادگاه در اسرع وقت به آن رسیدگی تا از حبس وی خودداری گردد. همین حکم جاری است در صورتی که محکوم به تقسیط شده عین معین بوده و به لحاظ افزایش نامتعارف قیمت، انجام آن خارج از توان مالی محکوم علیه باشد.

ماده ۵- چنانچه پس از درخواست اعمال ماده ۳ قانون، محکوم له به نحو کتبی درخواست اعطای مهلت به محکوم علیه، عدم حبس و یا آزادی وی را از دادگاه بنماید، دادگاه درخواست محکوم له را می پذیرد و

بر اساس آن اقدام می کند.

ماده ۶- جهت تسریع و تسهیل اجرای ماده ۱۹ قانون، مرجع اجراکننده، اعم از مراجع قضایی و ثبتی باید هر گونه مکاتبه با بانک مرکزی و سایر مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در خصوص اموال محکوم علیه دارند، جهت اخذ اطلاعات اموال و حساب اشخاص به منظور انسداد حساب یا رفع انسداد را از طریق سامانه الکترونیکی قوه قضاییه انجام دهند و در صورت عدم امکان استفاده از سامانه مزبور، مراتب از طریق غیر الکترونیکی انجام می شود.

ماده ۷- مرکز آمار و فناوری اطلاعات موظف است با همکاری مراجعی که اطلاعات مورد نیاز برای اجرای مقررات قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی را در اختیار دارند، امکان انجام الکترونیک استعلام ها و مکاتبات مراجع قضایی را فراهم نماید.

ماده ۸- اعمال مجازات ماده ۲۰ قانون رافع تکلیف اجرای احکام و سازمان های متخلف در اجرای دستور دادگاه یا رییس واحد ثبتی یا ادارات اجرای ثبت نیست و امر مذکور باید به فوریت اجرا شود.

ماده ۹- بمنظور ساماندهی و تسریع در امور مربوط به وصول محکومیت های مالی تقسیت شده، از قبیل محکومیت به پرداخت مهریه، ارزش ریالی دیه و وجه چک، چنانچه محکوم علیه از کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکت های دولتی، شهرداری ها، بانک ها، شرکت ها، بنگاه های خصوصی و نظایر آن بوده و استیفای محکوم به از طرق مذکور در قانون ممکن نگردد، واحدهای اجرای احکام در اجرای ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی و با رعایت تبصره های آن، ضمن ارسال مشخصات محکوم علیه و محکوم له مطابق فرم های ضمیمه، برابر ماده ۹۷ قانون یاد شده به مرجع پرداخت کننده حقوق و مزایای محکوم علیه ابلاغ نمایند وجوه مربوط را طبق حکم قطعی صادره تا سقف مبلغ مقرر در حکم (ارزش محکوم به) با احتساب نیم عشر اجرایی، ماهانه یک چهارم از حقوق محکوم علیه دارای زن یا فرزند و

یک سوم از حقوق وی در صورت فقدان زن یا فرزند بطور مستقیم کسر و حسب مورد به حساب محکوم له و صندوق دولت (خزانه) واریز و فهرست واریزی ها را به ضمیمه مستندات مربوط برای درج در پرونده به مرجع قضایی ذیربط ارسال دارند.

تبصره - در مورد کارکنان مذکور که حقوق و مزایای آنان برداشت می شود، دادگاه در صدور حکم تقسیط و تعیین اقساط، کسر حقوق محکوم علیه را مورد ملاحظه قرار می دهد تا موجب عسر و حرج وی نگردد.

ماده ۱۰- در صورتیکه در حین اجرای حکم اموالی از محکوم علیه شناسایی گردد، برابر تبصره ۱ ماده ۱۱ قانون و ماده ۹۸ قانون اجرای احکام مدنی، اجرای این آیین نامه مانع استیفای بخش اجرا نشده آن از اموال یا مطالبات شناسایی شده نخواهد بود.

ماده ۱۱- در صورتی که اموال شناسایی شده برای استیفای محکوم به توقیف گردد و برای استیفای آن کافی باشد، باید بلافاصله دستور توقیف و کسر حقوق و مزایای محکوم علیه موقوف و مراتب به مرجع ذیربط اعلام گردد.

ماده ۱۲- مهلت مقرر در ماده ۳ قانون جهت اقامه دعوی اعسار از محکوم به، از تاریخ ابلاغ اجراییه محاسبه می شود و این مهلت نافی تکلیف محکوم علیه، مندرج در ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ نخواهد بود.

تبصره - در محکومیت به پرداخت دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال یا امثال آن، مهلت مقرر در ماده ۳ قانون از تاریخ ابلاغ اخطاریه ای است که توسط قاضی اجرای احکام کیفری صادر می شود. در خصوص دیه رعایت مهلت های قانونی آن الزامی است.

ماده ۱۳- مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود و هر نوع تغییر در اموال مذکور از یک سال قبل از طرح دعوی اعسار را برابر ماده ۸ قانون به ضمیمه دادخواست اعسار به دادگاه تقدیم کند. در غیر این صورت، دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

ماده ۱۴- در صورت قطعیت حکم اعسار محکوم علیه، از تأمین موضوع تبصره ۱ ماده ۳ قانون رفع اثر می شود.

ماده ۱۵- پس از صدور حکم به رد دعوای اعسار از پرداخت محکوم به، تقدیم مجدد دادخواست مانع از حبس محکوم علیه نخواهد بود، مگر با صدور حکم جدید اعسار که در این صورت از حبس وی خودداری و در صورت حبس، آزاد می شود.

ماده ۱۶- پس از صدور حکم اعسار یا اعطای مهلت جهت پرداخت، چنانچه محکوم علیه در حبس باشد، بلافاصله آزاد می شود و عدم قطعیت رأی مانع آزادی محکوم علیه نیست.

ماده ۱۷- پس از صدور حکم تقسیط، چنانچه محکوم علیه مبادرت به پرداخت قسط مقرر کند، بلافاصله از زندان آزاد می شود و عدم قطعیت مانع آزادی وی نیست.

تبصره - چنانچه مرجع قضایی در مقام رسیدگی به دعوی اعسار، میزان مشخصی از مال و یا مبلغ مشخصی را به عنوان پیش قسط یا اقساط تعیین کند و محکوم علیه به سبب امتناع از پرداخت بازداشت شود، در صورتی که محکوم علیه مالی معرفی نماید و یا مالی از وی به دست آید که امکان استیفاء مال یا مبلغ تعیین شده امکان پذیر باشد، به دستور قاضی مجری حکم بلافاصله آزاد می گردد.

ماده ۱۸- در مواردی که محکوم علیه دارای محکومیت های مالی متعدد باشد، باید برای هر یک از محکومیت ها، دادخواست اعسار جداگانه تقدیم نماید، مگر در مورد محکومیت هایی که محکوم له آن واحد است که در این صورت صدور حکم اعسار یا تقسیط محکوم به نسبت به احکام دیگر بین آن دو شخص نیز جاری خواهد بود.

ماده ۱۹- خسارت های مذکور در ماده ۱۲ قانون، خسارت های ناشی از اقامه دعوی اعسار است که به خواننده این دعوی وارد می شود، مانند هزینه دادرسی، حق الوکاله برابر تعرفه که در سامانه درج شده و هزینه ایاب و ذهاب شهود.

ماده ۲۰- منظور از دادگاه در ماده ۱۶ قانون، دادگاه کیفری ۲ یا دادگاهی است که وظیفه آن را انجام می دهد.

ماده ۲۱- اثبات رفع عسرت از محکوم علیه، مستلزم اقامه دعوا است. به این دعوا خارج از نوبت رسیدگی می شود.

ماده ۲۲- در صورتی که محکوم علیه به اعتبار پرونده کیفری یا به اعتبار تبصره یک ماده ۳ قانون دارای تأمین باشد، اخذ تأمین مضاعف برای دادخواست اعسار خارج از مهلت، یا رفع ممنوع الخروجی مجاز نیست.

ماده ۲۳- محکوم له می تواند در تمامی مراحل رسیدگی به دعوی اعسار، با معرفی مال محکوم علیه نسبت به استیفای حقوق خود اقدام کند.

ماده ۲۴- صدور حکم ورشکستگی تاجر به منزله صدور حکم اعسار در دعاوی مدنی است و مانع حبس ورشکسته بابت عدم تأدیه محکوم به می شود. وصول مطالبات اشخاص در صورت اخیر برابر مقررات مربوط می

باشد.

ماده ۲۵- اعزام زندانیان مشمول قانون به مراکز درمانی خارج از زندان در موارد ضرورت و همچنین اعطای مرخصی به آنان با اخذ تأمین متناسب، به تشخیص و بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری است. هر یک از این اقدامات به اطلاع دادگاهی که حکم زیر نظر آن اجرا می شود، خواهد رسید.

تبصره - به منظور فراهم شدن موجبات پرداخت محکوم به، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند هر سه ماه یک نوبت با اخذ تأمین از محکوم علیه، حداکثر به مدت ۱۰ روز به وی مرخصی اعطاء نماید. مراتب به اطلاع دادگاه صادرکننده حکم خواهد رسید. در صورت پرداخت قسمتی از محکوم به در مدت مرخصی، مدت یاد شده به تشخیص قاضی اجرای احکام کیفری قابل تمدید است. همچنین، برای حضور در جلسات دادگاه به محکومانی که امکان استفاده از مرخصی دارند، با اخذ تأمین مرخصی اعطا گردد تا لزومی به اعزام و بدرقه آنان که ممکن است به عللی موجب اطاله رسیدگی گردد، خودداری شود.

ماده ۲۶- تشخیص مصادیق مستثنیات دین مذکور در ماده ۲۴ قانون و کم و کیف آن با رعایت عرف و اوضاع و احوال فعلی شخص، با دادگاه مجری حکم است. دادگاه می تواند در صورت نیاز موضوع را به کارشناس ارجاع نماید.

تبصره - از آنجا که یارانه به افراد کم درآمد جامعه پرداخت می گردد، در صورتی که توقیف آن موجب اخلاص در امور زندگی آنان گردد، قضات اجرای احکام از توقیف و برداشت آن به نفع محکوم له خودداری نمایند. در هر حال، توقیف و برداشت آن منحصر به یارانه ای است که به شخص محکوم تعلق می گیرد و تسری به سایر اعضای خانواده ندارد.

ماده ۲۷- محکوم علیه می تواند با رضایت خود مالی را که جزء مستثنیات دین است جهت استیفاء محکوم به معرفی نماید.

ماده ۲۸- این آیین نامه به پیشنهاد وزارت دادگستری در ۲۸ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۸ به تصویب رییس قوه قضائیه رسید.

رئیس قوه قضائیه - سیدابراهیم رئیسی

بخشنامه اجرای مهریه

بخشنامه جدید قوه قضائیه درباره مهریه ابلاغ شد. معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در بخشنامه‌ای به روسای دادگستری سراسر کشور نحوه رسیدگی به دادخواست‌های مطالبه مهریه را ابلاغ کرد.

محمدباقر الفت معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه در بخشنامه‌ای به رؤسای دادگستری سراسر کشور نحوه رسیدگی به دادخواست‌های مطالبه مهریه را ابلاغ کرد.

در این بخشنامه آمده است؛ در خصوص شناسایی و توقیف اموال مدیون (زوج) در عقدنامه به عنوان یک سند لازم‌الاجرا در مواردی که زوج دادخواست مطالبه مهریه ارائه می‌دهد، لازم است بدو^۱ به اداره ثبت اسناد و املاک مراجعه کند تا با توقیف دارایی زوج بتواند حقوق شرعی و قانونی خود را به عنوان مهریه دریافت کند. ثبت اسناد و املاک در صورت عدم حصول نتیجه در شناسایی و توقیف اموال مدیون پس از گذشت ۶ ماه از زمان درخواست اجراییه، گواهی برای محاکم قضائی صادر می‌کند. با عنایت به وضعیت مالی مدیون (زوج) موضوع خواسته زوج بررسی و حکم مناسب صادر می‌شود.

با توجه به اینکه بازداشت محکومین مالی، یک امر استثنایی بوده که در واقع اجرای حکم تلقی نمی‌شود و صرفاً^۲ یک اقدام تأمینی در جهت الزام محکوم علیه به پرداخت است، آن هم در صورت احراز و اثبات

ملات مالی محکوم علیه و امتناع وی از پرداخت محکوم به و از طرفی حضور محکومین مهریه در زندان نه تنها تأثیری در الزام آنها به پرداخت بدهی آنها نداشته، بلکه اثرات و تبعات سو دیگری نیز به دنبال خواهد داشت؛ به منظور کاهش اطاله دادرسی و ورودی پرونده به محاکم و نیز کاهش جمعیت کیفری زندانها، با توجه به ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مادتين ۱۸ و ۱۹ دستورالعمل ساماندهی و کاهش جمعیت کیفری زندانها و بخشنامه شماره ۹۰۰/۳۴۸۵۹/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۲ ریاست محترم وقت قوه قضائیه و تأکیدات اخیر ریاست معزز قوه قضائیه و همچنین، فحوای بند (ب) ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که مقرر دارد: مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از طریق ادارات اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجرای میشوند. ادارات مذکور مکلف هستند بلافاصله پس از تقاضای اجراییه نسبت به شناسایی و توقیف اموال مدیون اقدام کنند.

چنانچه مرجع مذکور نتواند ظرف مدت دو ماه از تقاضای اجرا، نسبت به شناسایی و توقیف اموال متعهد سند، اقدام کند یا ظرف مدت شش ماه نسبت به اجرای مفاد سند اقدام نماید، متعهد سند میتواند با انصراف از اجرای مفاد سند به محاکم دادگستری رجوع کند.

به منظور اتخاذ رویه واحد و مدیریت صحیح قضائی پرونده‌های مهریه، تمامی واحدهای قضائی زیرمجموعه دادگستری‌های سراسر کشور باید به این ترتیب اقدام کنند:

از پذیرش دعاوی مطالبه مهریه قبل از صدور گواهی موضوع بند (ب) ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه خودداری کنند.

واحدهای اجرای احکام مدنی (اعم از محاکم و مراکز حل اختلاف) در جریان اجرای احکام پرونده‌های مهریه، صرفاً از طریق شناسایی اموال محکوم علیه (مکاتبه با مراجع ثبتی، راهور، بانکها و...) اقدام کنند و ترتیبی اتخاذ شود که منتهی به جلب و بازداشت محکوم علیه نشود.

در خصوص نیابت‌های واصله از خارج استان، وفق بند (ب) قانون مارالذکر اقدام کند و چنانچه نتیجه‌ای حاصل نشد پرونده‌های نیابتی بدون اقدام در خصوص جلب و بازداشت محکوم علیه به مرجع معطی نیابت اعاده شود.

رؤسای کل دادگستری‌ها استانها مسؤول نظارت بر حسن اجرای این

قانون اجرای محکومیت‌های مالی

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

ماده ۱- هر کس به موجب حکم دادگاه به دادن هر نوع مالی به دیگری محکوم شود و از اجرای حکم خودداری کند، هر گاه محکوم^۱ به عین معین باشد آن مال اخذ و به محکوم^۲ له تسلیم می‌شود و در صورتی که رد^۳ عین ممکن نباشد یا محکوم^۲ به عین معین نباشد، اموال محکوم^۲ علیه با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن حسب مورد محکوم^۲ به یا مثل یا قیمت آن استیفا می‌شود.

ماده ۲- مرجع اجراکننده رأی، اعم از قسمت اجرای دادگاه صادرکننده اجراییه یا مجری نیابت، مکلف است به تقاضای محکوم^۲ له از طرق پیش بینی شده در این قانون و نیز به هر نحو دیگر که قانوناً ممکن باشد، نسبت به شناسایی اموال محکوم^۲ علیه و توقیف آن به میزان محکوم^۲ به اقدام کند.

تبصره - در موردی که محکوم^۲ به عین معین بوده و محکوم^۲ له شناسایی و تحویل آن را تقاضا کرده باشد نیز مرجع اجراکننده رأی مکلف به شناسایی و توقیف آن مال است.

ماده ۳- اگر استیفاء محکوم^۲ به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد محکوم^۲ علیه به تقاضای محکوم^۲ له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم^۲ له حبس می‌شود. چنانچه محکوم^۲ علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجراییه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود.

تبصره ۱- چنانچه محکوم^۲ علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند، هرگاه

محکوم^۱ له آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم^۲ علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم^۳ به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم^۴ علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می کند. در صورت رد^۵ دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه گذار ابلاغ می شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم^۶ علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می شود نسبت به استیفای محکوم^۷ به و هزینه های اجرایی از محل وثیقه یا وجه الکفاله اقدام می شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است. نحوه صدور قرارهای تأمینی مزبور، مقررات اعتراض نسبت به دستور دادستان و سایر مقررات مربوط به این دستورها تابع قانون آیین دادرسی کیفری است.

تبصره ۲- مقررات راجع به تعویق و موانع اجرای مجازات حبس در خصوص کسانی که به استناد این ماده حبس می شوند نیز مجری است.

ماده ۴- چنانچه به موجب ماده (۳) این قانون محکوم^۸ علیه حبس شده یا مستحق حبس باشد، هر گاه مالی معرفی کند و یا با رعایت مستثنیات دین مالی از او کشف شود به نحوی که طبق نظر کارشناس رسمی مال مزبور تکافوی محکوم^۹ به و هزینه های اجرایی را نماید، حبس نخواهد شد و اگر در حبس باشد آزاد می گردد. در این صورت مال معرفی یا کشف شده را مرجع اجراکننده رأی توقیف می کند و محکوم^{۱۰} به از محل آن استیفا می شود.

ماده ۵- قوه قضاییه مکلف است افرادی را که به استناد ماده (۳) این قانون حبس می شوند جدای از محکومان کیفری نگهداری و با همکاری دولت (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) زمینه انجام فعالیت های اقتصادی و درآمدزا را برای محبوسان متقاضی کار فراهم کند. شیوه نگهداری، به کارگیری، پرداخت و هزینه کرد اجرت این اشخاص مطابق آیین نامه ای است که به وسیله سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می شود و ظرف سه ماه پس از اجرا شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد.

ماده ۶- معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

تبصره - عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال برعهده مدیون است.

ماده ۷- در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملاتت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد اثبات اعسار برعهده اوست مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد هر گاه خواننده دعوای اعسار نتواند ملاتت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملاتت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می شود.

ماده ۸- مدعی اعسار باید صورت کلیه اموال خود شامل تعداد یا مقدار و قیمت کلیه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح، مشتمل بر میزان وجوه نقدی که وی به هر عنوان نزد بانک ها و یا مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی و خارجی دارد، به همراه مشخصات دقیق حساب های مذکور و نیز کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به بعد را ضمیمه دادخواست اعسار خود کند. در مواردی که بار اثبات اعسار برعهده مدیون است و نیز در مواردی که سابقه ملاتت او اثبات شده باشد هرگاه مدیون بخواهد ادعای خود را با شهادت شهود ثابت کند باید شهادتنامه کتبی حداقل دو شاهد را به مدتی که بتوانند نسبت به وضعیت معیشت فرد اطلاع کافی داشته باشند به دادخواست اعسار خود ضمیمه نماید. شهادتنامه مذکور باید علاوه بر هویت و اقامتگاه شاهد، متضمن منشأ اطلاعات و موارد مندرج در ماده (۹) این قانون باشد.

ماده ۹- شاهد باید علاوه بر هویت، شغل، میزان درآمد و نحوه قانونی امرار معاش مدعی اعسار، به این امر تصریح کند که با مدیون به مدتی که بتواند نسبت به وضعیت معیشت وی اطلاع کافی داشته باشد، معاشرت داشته و او افزون بر مستثنیات دین هیچ مال قابل دسترسی ندارد که بتواند به وسیله آن دین خود را بپردازد.

ماده ۱۰- پس از ثبت دادخواست اعسار دادگاه مکلف است فوراً با استعلام از مراجع ذی ربط و به هر نحو دیگر که ممکن باشد نسبت به بررسی وضعیت مالی محکوم علیه جهت روشن شدن اعسار یا ایسار او اقدام کند.

ماده ۱۱- در صورت ثبوت اعسار، چنانچه مدیون متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود، دادگاه ضمن صدور حکم اعسار با ملاحظه وضعیت او مهلت مناسبی برای پرداخت می دهد یا حکم تقسیط بدهی را صادر می کند. در تعیین اقساط باید میزان درآمد مدیون و معیشت ضروری او لحاظ شده و به نحوی باشد که او توانایی پرداخت آن را داشته باشد.

تبصره ۱- صدور حکم تقسیط محکوم^۱ به یا دادن مهلت به مدیون، مانع استیفای بخش اجرا نشده آن از اموالی که از محکوم^۱ علیه به دست می آید یا مطالبات وی نیست.

تبصره ۲- هر یک از محکوم^۱ له یا محکوم^۱ علیه می توانند با تقدیم دادخواست، تعدیل اقساط را از دادگاه بخواهند. دادگاه با عنایت به نرخ تورم براساس اعلام مراجع رسمی قانونی کشور یا تغییر در وضعیت معیشت و درآمد محکوم^۱ علیه نسبت به تعدیل میزان اقساط اقدام می کند.

ماده ۱۲- اگر دعوای اعسار رد^۲ شود، دادگاه در ضمن حکم به رد^۲ دعوی، مدعی اعسار را به پرداخت خسارات وارد شده بر خواننده دعوای اعسار مشروط به درخواست وی محکوم می کند.

ماده ۱۳- دعوای اعسار در مورد محکوم^۱ به در دادگاه نخستین رسیدگی کننده به دعوای اصلی یا دادگاه صادرکننده اجراییه و به طرفیت محکوم^۱ له اقامه می شود.

ماده ۱۴- دعوای اعسار غیرمالی است و در مرحله بدوی و تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می شود.

ماده ۱۵- دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

تبصره - اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار رد^۲ دادخواست وی را صادر می کند.

ماده ۱۶- هرگاه محکوم^۱ علیه در صورت اموال خود موضوع مواد (۳) و (۸) این قانون، به منظور فرار از اجرای حکم از اعلام کامل اموال خود مطابق مقررات این قانون خودداری کند یا پس از صدور حکم اعسار معلوم شود برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است دادگاه ضمن

حکم به رفع اثر از حکم اعسار سابق محکوم^۱ علیه را به حبس تعزیری درجه هفت محکوم خواهد کرد.

ماده ۱۷- دادگاه رسیدگی کننده به اعسار ضمن صدور حکم اعسار، شخصی را که با هدف فرار از پرداخت دین مرتکب تقصیر شده است تا موجب اعسار وی گردد با توجه به میزان بدهی، نوع تقصیر، تعدد و تکرار آن به مدت شش ماه تا دو سال به یک یا چند مورد از محرومیت های زیر محکوم می کند:

۱- ممنوعیت خروج از کشور

۲- ممنوعیت تأسیس شرکت تجاری

۳- ممنوعیت عضویت در هیأت مدیره شرکت های تجاری

۴- ممنوعیت تصدی مدیرعاملی در شرکت های تجاری

۵- ممنوعیت دریافت اعتبار و هر گونه تسهیلات به هر عنوان از بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری عمومی و دولتی به جز وام های ضروری

۶- ممنوعیت دریافت دسته چک

ماده ۱۸- هر گاه پس از صدور حکم اعسار ثابت شود، از مدیون رفع عسرت شده یا مدیون برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده است، به تقاضای محکوم^۲ له، محکوم^۳ علیه تا زمان اجرای حکم یا اثبات حدوث اعسار یا جلب رضایت محکوم^۴ له حبس خواهد شد. در این مورد نیز مفاد مواد (۴) و (۵) این قانون مجری است. این حکم در مورد مدیونی که به موجب ماده (۱۱) این قانون برای پرداخت دین او مهلت مناسب تعیین شده یا بدهی او تقسیط گردیده و در زمان مقرر دین خود یا اقساط تعیین شده را نپرداخته است نیز مجری است.

ماده ۱۹- مرجع اجراکننده رأی باید به درخواست محکوم^۵ له به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب های محکوم^۶ علیه در بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند. همچنین دادگاه باید به درخواست محکوم^۷ له یا خواننده دعوی اعسار به مراجع ذی ربط از قبیل ادارات ثبت محل و شهرداری ها دستور دهد که براساس نشانی کامل ملک یا نام مالک پلاک ثبتی ملکی را که احتمال تعلق آن به محکوم^۸ علیه وجود دارد برای توقیف به دادگاه اعلام کند. این حکم در مورد تمامی مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند نیز مجری است.

تبصره ۱- مراجع مذکور در این ماده مکلفند به دستور دادگاه فهرست و مشخصات اموال متعلق به محکوم^۹ علیه و نیز فهرست نقل و انتقالات

و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از صدور حکم قطعی به بعد را به دادگاه اعلام کنند.

تبصره ۲- مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته موضوع ماده (۱۰۸) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی مجری است.

ماده ۲۰- هر یک از مدیران یا مسؤولان مراجع مذکور در ماده (۱۹) این قانون که به تکلیف مقرر پیرامون شناسایی اموال اشخاص حقیقی و حقوقی عمل نکند به انفصال درجه شش از خدمات عمومی و دولتی محکوم می شود. این حکم در مورد مدیران و مسؤولان کلیه مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند و مکلفند اطلاعات خود مطابق ماده مذکور را در اختیار قوه قضاییه قرار دهند نیز در صورت عدم اجرای این تکلیف مجری است.

ماده ۲۱- انتقال مال به دیگری به هر نحو به وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم^۱ به یا هر دو مجازات می شود و در صورتی که منتقل^۲ الیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال گیرنده به عنوان جریمه اخذ و محکوم^۳ به از محل آن استیفا خواهد شد.

ماده ۲۲- کلیه محکومیت های مالی از جمله دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد^۴ مال و امثال آنها جز محکومیت به پرداخت جزای نقدی، مشمول این قانون خواهند بود.

ماده ۲۳- مرجع اجراکننده رأی باید به تقاضای محکوم^۵ له قرار ممنوع الخروج بودن محکوم^۶ علیه را صادر کند. این قرار تا زمان اجرای رأی یا ثبوت اعسار محکوم^۷ علیه یا جلب رضایت محکوم^۸ له یا سپردن تأمین مناسب یا تحقق کفالت مطابق قانون مدنی به قوت خود باقی است.

تبصره - در خصوص سفر واجب که وجوب آن از قبل ثابت شده باشد و سفرهای درمانی ضروری، دادگاه موقتاً^۹ به محکوم^{۱۰} علیه اجازه خروج از کشور را می دهد.

ماده ۲۴- مستثنیات دین صرفاً^{۱۱} شامل موارد زیر است:

الف - منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم^۱ علیه در حالت اعسار او باشد.

ب - اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم^۱ علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.

ج - آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم^۱ علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می شود.

د - کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها.

هـ - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است. و- تلفن مورد نیاز مدیون.

ز- مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.

تبصره ۱- چنانچه منزل مسکونی محکوم^۱ علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد و مشارک^۱ الیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع اجراکننده رأی نباشد به تقاضای محکوم^۱ له به وسیله مرجع اجراکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم^۱ علیه خواهد شد مگر اینکه استیفای محکوم^۱ به به طریق سهل تری مانند استیفا از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم^۱ علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان پذیر باشد که در این صورت محکوم^۱ به از طرق مذکور استیفا خواهد شد.

تبصره ۲- چنانچه به حکم قانون مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرح های عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، وصول محکوم^۱ به از آن امکان پذیر است مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد.

ماده ۲۵- چنانچه منشأ دین، قرض یا در اختیار گرفتن اموالی از دیگران به موجب هر قرارداد دیگری باشد و محکوم^۱ علیه از بدو امر قصد عدم تأدیه دین یا تبدیل آن به یکی از مستثنیات دین به منظور فرار از تأدیه را داشته باشد، هر مالی که در عوض اموال مذکور خریداری کرده یا به موجب سایر عقود به ملکیت خود درآورد به عنوان جریمه اخذ و محکوم^۱ به از محل آن استیفا و مابقی به وی مسترد

خواهد شد.

ماده ۲۶ - احکام مندرج در این قانون جز احکام راجع به حبس محکوم^۱ علیه، اعسار و مستثنیات دین حسب مورد در مواردی که محکوم^۲ علیه شخص حقوقی باشد نیز مجری است و نسبت به مدیران و مسؤلان متخلف اشخاص حقوقی مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می شود.

ماده ۲۷ - مقررات این قانون در مورد گزارش های اصلاحی مراجع قضایی و آرای مدنی سایر مراجعی که به موجب قانون، اجرای آنها بر عهده اجرای احکام مدنی دادگستری است و همچنین آرای مدنی تعزیرات حکومتی نیز مجری است.

تبصره - محکومیت های کیفری سازمان تعزیرات حکومتی تابع مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری دادگاه ها است.

ماده ۲۸ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجرا شدن آن به وسیله وزارت دادگستری تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد.

ماده ۲۹ - قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰/۸/۱۳۷۷ و قانون اعسار مصوب ۲۰/۹/۱۳۱۳ و ماده (۵۲۴) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ نسخ می شود.

قانون فوق مشتمل بر بیست و نه ماده و سیزده تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم مهر ماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۳/۳/۱۳۹۴ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

قانون مستثنیات دین

ماده ۲۴

مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

الف - منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم^۱ علیه در حالت اعسار او باشد.

ب - اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم^۱ علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.

ج - آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.

د - کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها.

هـ - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان لازم است.

و - تلفن مورد نیاز مدیون.

ز - مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.

تبصره ۱ - چنانچه منزل مسکونی محکوم^۱ علیه بیش از نیاز و شأن عرفی او در حالت اعسارش بوده و مال دیگری از وی در دسترس نباشد و مشارک^۱ الیه حاضر به فروش منزل مسکونی خود تحت نظارت مرجع اجراءکننده رأی نباشد، به تقاضای محکوم^۱ له به وسیله مرجع اجراءکننده حکم با رعایت تشریفات قانونی به فروش رفته (مزایده) و مازاد بر قیمت منزل مناسب عرفی، صرف تأدیه دیون محکوم علیه خواهد شد. مگر اینکه استیفای محکوم به به طریق سهل‌تری مانند استیفاء از محل منافع بخش مازاد منزل مسکونی محکوم علیه یا انتقال سهم مشاعی از آن به شخص ثالث یا طلبکار امکان‌پذیر باشد. که در این صورت محکوم^۱ به از طرق مذکور استیفاء خواهد شد.

تبصره ۲ - چنانچه به حکم قانون، مستثنیات دین تبدیل به عوض دیگری شده باشد، مانند اینکه مسکن به دلیل قرار گرفتن در طرح‌های عمرانی تبدیل به وجه گردد، یا در اثر از بین رفتن، عوضی دریافت شده باشد، وصول محکوم^۱ به از آن امکان‌پذیر است مگر اینکه محرز شود مدیون قصد تهیه موضوع نخستین را دارد.